

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (صص ۱۲۹-۱۵۰)

نقد نظر حسن‌الدین احمد در رابطه با تعبیر قرآنی «فارتنور»

هادی زینی ملک‌آباد^۱ حسین خاکپور^۲ ملیحه تراب‌پور^۳ سید محمدحسین موسوی^۴

چکیده

حسن‌الدین احمد از قرآن پژوهان بنام شبه‌قاره است. وی در فصل سوم کتاب «رویکردی نو به مطالعه قرآن»، به تبیین تعبیر قرآنی پرداخته است. رویکرد ایشان نسبت به تبیین تعبیر، موجز و بدیع است. شناخت روش تبیین معانی تعبیر، در تفسیر دقیق و صحیح آیات قرآن نقش بسزایی دارد؛ بنابراین بررسی و تحلیل مبانی و روش حسن‌الدین احمد در تبیین تعبیر قرآنی ضروری است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که دیدگاه حسن‌الدین احمد به‌ویژه در مورد تعبیر قرآنی «فارتنور» چه اشکالاتی دارد؟ در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی تعبیر «فارتنور» در نظر حسن‌الدین احمد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. انتخاب تعبیر «فارتنور» از آن‌روست که دارای تنوع اختلاف نظر مفسران است. از آنجاکه تبیین حسن‌الدین احمد از منظر مبنا، روش و مآخذشناسی، اطلاعات کاملی به دست نمی‌دهد، ابتدا نظر لغویان و مفسران و سپس نظر وی بیان شده است؛ تا کاستی‌های روش‌شناختی و مآخذشناسی‌اش روشن شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم تبیین مبانی و همچنین فقر روشی و عدم یادکرد از منابع تحقیق، اشکالات اساسی حسن‌الدین احمد در تبیین معنای «فارتنور» است و همین سبب شده است تا رویکرد وی با وجود ادعای وی بر بدیع بودن، غیرروشنمند و ذوقی پنداید.

واژه‌های کلیدی: حسن‌الدین احمد، تعبیر، فارتنور، روش، نقد.

-
۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: zeini@theo.usb.ac.ir
 ۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان بلوچستان
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان
 ۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۹

۱- مقدمه

در صدر اسلام با وجود پیامبر^(ص) و صحابه، واژگان و تعابیر قرآنی ابهام و پیچیدگی چندانی نداشته است. نخستین کتاب‌های غریب‌القرآن در قرن دوم هجری تدوین شده‌اند (سزگین، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۹). ظهور این آثار نشان می‌دهد که گذر زمان، تغییر شرایط جغرافیایی حوزه اسلام و همچنین ازدست‌رفتن بسیاری از صحابه و تابعان آگاه به معانی واژگان از عوامل مهم آگاه‌نبودن مردمان از معانی واژگان در دوره‌های بعدی است. حتی آثاری پیش‌تر از غریب‌القرآن‌ها مانند «سؤالات نافع بن ازرق» که البته به نام «غریب‌القرآن فی شعر العرب» نیز مشهور است، نشان می‌دهد که معانی برخی از واژگان بر نافع بن ازرق پوشیده بوده و وی معانی آن‌ها را از ابن عباس جویا شده و ابن عباس با استناد به اشعار عرب پاسخ گفته است. فاصله یک نسلی نافع از ابن عباس در مقام شاگرد و استادی و همچنین پیشگامی آن‌ها نسبت به سایر مؤلفان کتاب‌های غریب‌القرآن نشان می‌دهد که حتی فاصله یک نسلی میان نافع بن ازرق و ابن عباس سبب ابهام در برخی از واژگان شده است؛ بنابراین واضح است که معانی برخی از واژگان قرآنی در گذر زمان دچار ابهام می‌شود و نیازمند تبیین است؛ ابو عبیده (م ۲۱۰هـ) نخستین دانشمند صاحب‌نامی است که در «مجازالقرآن» پاسخگویی به این نیاز را مهم‌ترین انگیزه تألیف می‌داند (ابو عبیده، [بی تا]، ۸-۹). هرچند در گذر زمان مفسران و اندیشمندان به تبیین واژگان قرآنی پرداخته‌اند؛ اما تبیین خاص حسن‌الدین احمد از اصطلاحات و تعابیر قرآنی اثر وی را شایسته بررسی و تحلیل کرده است.

در این مجال تعبیر «فارتثور» به عنوان مطالعه موردی با تأکید بر دیدگاه حسن‌الدین احمد در کتاب «A New Approach to the study of the Quran» نقد و بررسی شده است.

حسن‌الدین احمد (۲۰۱۹-۱۹۲۴م) قرآن‌پژوه کمترشناخته شده شبه‌قاره هند است. وی در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه ملی اسلامی دهلی نو، از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های هند فارغ‌التحصیل شد. ایشان پیش از اخذ مدرک دکتری در فضای اداری و مدیریتی فعالیت داشته است و طی دوره ۳۵ ساله خدمت خود عهده‌دار پست‌های مدیریتی از معاونت وزارت خارجه و مسئول وزارت اوقاف بوده است. ایشان مدیری توانمند، محقق برجسته و نویسنده ۳۸ کتاب است و بارها به عنوان سخنران به ایالات متحده دعوت شد. در سال ۱۹۵۴ نیز به عنوان سخنران در کنگره جهانی دین در ژاپن که با هدف ارتقای صلح جهانی صورت گرفت، شرکت کرد.

حسن‌الدین احمد، در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و مؤسسات عام‌المنفعه نیز حضوری فعال داشته است. انجمن امیرخسرو در هند به تدبیر ایشان تأسیس شد و در سال ۱۹۸۰م. شعبه‌ای از این انجمن را در آمریکای شمالی راه‌اندازی کرد.

حسن‌الدین احمد پس از بازنشستگی به‌عنوان رئیس کمیسیون اقلیت اندهرا پرادش (Andhra Pradesh) (AP) فعالیت داشت که این جایگاه و منصب اداری هم‌تراز وزیر بود. ایشان سرانجام پس از تحمل سه سال بیماری در ۱۳ آگوست ۲۰۱۹ درگذشت و در قبرستان مسجد الماس به خاک سپرده شد. آثار وی پیش از ۵۰ سالگی در حوزه معرفی زبان و ادبیات اردو و پس از آن فعالیت علمی در حوزه زبان و ادب را عموماً نسبت به قرآن و تاریخ آن مصروف داشت.

کتاب «An Easy Way to Understanding Qur'an» سال ۱۹۸۷ در ۲۴۰ صفحه به زبان انگلیسی چاپ شد و پس از اقبال به ترکی، فرانسوی، اردو و هندی نیز ترجمه شد. نگارش اولین اثر قرآنی این محقق به زبان انگلیسی نشان می‌دهد که رویکردهای تبلیغی‌اش، در تدوین اندیشه قرآنی وی اثرگذار بوده است. هر چند کتاب انجمن، دومین اثر قرآنی محقق در سال ۱۹۸۹م. به زبان اردو نگارش شد؛ اما سایر کتاب‌های قرآنی وی «Introducing The Quran: How To Study And Understand The Quran» ۳۴۸ صفحه به سال ۲۰۰۴، «A New Approach to Portrayal of Woman» ۷۷ صفحه به سال ۲۰۰۸ و همچنین کتاب «the study of the Quran» که در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ به‌عنوان اثری مهم از ایشان چاپ شده و در این مقاله مورد تأکید است، به زبان انگلیسی ارائه شده‌اند.

علاوه‌براین، ایشان دارای آثاری است که شاید بتوان متدولوژی در رویکرد به قرآن را براساس آن‌ها کشف کرد. این آثار با دو عنوان «A Brief History Of Islam» در ۵۹۳ صفحه به سال ۲۰۰۶ و «A Concise History Of Islam: Essays On The Religio Political Histor Of Islam» در ۴۷۲ صفحه به سال ۲۰۰۷ چاپ شده است. این دو اثر اخیر نشان می‌دهد رویکرد برون‌متنی (تاریخی - جامعه‌شناختی) در آثار قرآنی وی وجود دارد. نقد و بررسی این دیدگاه در پژوهش پیش‌رو نیز وابستگی تبیین قرآن به فضای تاریخی - جامعه‌شناختی ادب عربی را روشن می‌کند. هر چند حسن‌الدین خود به این تأثیر و تأثرها اشاره نمی‌کند.

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

کتاب «A New Approach to the study of the Quran» (رویکردی نو به مطالعه قرآن)، ۴۵۵ صفحه به سال ۲۰۰۸ و در پنج فصل چاپ شد. فصل اول در مورد اسلوب قرآن (تکرار، رابطه قرآن و شعر، وزن، قافیه و...)، فصل دوم در مورد علم بدیع (تشبیه، تمثیل، استعاره و...) است و در فصل سوم به تبیین ۳۷ اصطلاح قرآنی (مانند آخرت، خلیفه، زکات، سجده و...)، در فصل چهارم به تبیین ۱۸ تعبیر قرآنی و همچنین ۶۸ کلمه قصار پرداخته است. در فصل پایانی بر آیات، واژه‌ها و نام‌های زیبا در قرآن تمرکز شده و در مجموع ۳۲ آیه، ۴۱ واژه و ۱۲ نام زیبا را مورد توجه قرار داده است. دلیل انتخاب تعبیر «فارتنور» از میان تعابیر مختلف، اختلاف نظرهای متنوع در میان مفسران در برابر این تعبیر است. این اثر به زبان دیگری نیز ترجمه نشده است. دو مقاله و دو پایان‌نامه، تنها پژوهش‌های صورت گرفته با موضوع کتاب «A New Approach to the study of the Quran» هستند.

در هیچ‌کدام از این آثار نیز به صورت مستقل به بررسی و نقد تعبیر «فارتنور» پرداخته نشده؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱- دیدگاه حسن‌الدین احمد در مورد معنای تعبیر «فارتنور» چیست؟

۲- دیدگاه حسن‌الدین احمد دارای چه اشکالاتی است؟

۳- دیدگاه مفسران در مورد تعبیر «فارتنور» چیست؟

۴- اختلاف دیدگاه مفسران به چند دسته کلی قابل تقسیم است؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش حاضر نقد و بررسی دیدگاه حسن‌الدین احمد در رابطه با تعبیر «فارتنور» با تبیین دیدگاه مفسران است. دیدگاه‌های موجز و درعین حال بدیع حسن‌الدین احمد در تبیین معنای تعابیر قرآنی در راستای مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی است که امروز مورد توجه رویکردهای زبانی - سبک‌شناختی است (برای اهمیت این بحث ر.ک: میر، ۱۳۹۶؛ هاوتینگ، ۱۳۸۹). تبیین تعابیر با تحلیل ادبی و درعین حال نگاه تاریخی به آیات قرآن پرده از معانی جدید برمی‌دارد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش، ابتدا به تبیین اجزای تشکیل‌دهنده تعبیر از منظر کتاب‌های لغت پرداخته شد. تبیین اجمالی معنای لغت

در زبان‌های سامی و پس از آن دیدگاه مفسران مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته و در پایان نظر حسن‌الدین احمد در مورد تعبیر «فارتنور» تبیین، نقد و بررسی شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

تاکنون مقاله یا کتاب مجزایی در زمینه موضوع مقاله حاضر چاپ نشده، اما چند اثر در مقام نقد کتاب نگارش شده است. مقاله نقد کتاب «رویکردی نو به مطالعه قرآن» اثر سید مصطفی احمدزاده (۱۳۹۴) پس از معرفی ساختار کتاب به نقد کلی آن پرداخته و از دیدگاه‌های مؤلف در سوگند، ایمان و نمادپردازی نیز یاد کرده است. نویسنده این‌گونه نتیجه گرفته که اثر حسن‌الدین احمد در عین کم‌نظیری نشان‌دهنده ناآگاهی ایشان از روش فهم قرآن است؛ البته نویسنده مقاله به دلیل تأکید بر معرفی ساختار کتاب حسن‌الدین احمد به نقد کلی پرداخته و شواهد کافی در زمینه نقد نظر مؤلف ارائه نداده است؛ به‌طور مشخص کاستی‌های دیدگاه حسن‌الدین احمد با تبیین دیدگاه مفسران مورد ارزیابی قرار نگرفته است. در پایان‌نامه عبدالغنی کردی تودزلیلی با عنوان «ترجمه و نقد فصل اول و دوم کتاب رویکردی نو به مطالعه قرآن» (۱۳۹۴) نیز با تأکید بیشتر بر ترجمه، دو فصل اول ترجمه شده و در برخی از موارد اندک صرفاً اصطلاحات فصل‌های ترجمه‌شده کتاب یعنی اصطلاحات مربوط به سبک و آرایه‌های ادبی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به این اشاره نشده است که دیدگاه حسن‌الدین احمد در تبیین آیات قرآن چه اشکالاتی دارد؛ در مقاله «نقد دیدگاه حسن‌الدین احمد پیرامون نماد» (۱۳۹۷) اثر حسین خاکپور نیز به‌طور خاص به مقوله «نماد» پرداخته شده است. نهایتاً در هیچ‌کدام از منابع مذکور به‌طور خاص به بررسی تعبیر و به‌ویژه تعبیر «فارتنور» پرداخته نشده است.

۲- فور در لغت

لغویان در معنای «فور» اختلاف‌نظری ندارند. مشتق فعلی ماده «فور» به دیگ، آتش، دود، غضب و آب نسبت داده شده است (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۸؛ آزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۱۹/۳، ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۷/۵)؛ یعنی معنای «جوشیدن و فوران کردن» در آن نهفته است. در «اساس‌البلاغه» با تفکیک معنای حقیقی از مجازی، اسناد فور به دیگ، چشمه و آب، کاربرد حقیقی [و اولیه] و اسناد فور به غضب، کاربرد مجازی دانسته شده است (زمخشری، ۱۴۱۹: ص ۴۸۴). دلالت عبارت عرفی «جاء القوم من فورهم» بر «جاشوا الحرب فأقبلوا من وجههم ذلک» که به معنای درگرفتن نزاع همراه با خشم و غضب است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: همانجا) و نیز دلالت آیه «مِن فورهَم

هذا» (آل‌عمران/۱۲۵) بر «من غضبهم الذی غضبوه بیدر» (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴۶/۳) نشان می‌دهد که کاربرد مجازی به همراه کاربرد حقیقی آن شایع بوده است.

۳- تنور در لغت

تنور واژه‌ای غیرعربی و در زبان عربی و فارسی به‌طور مشترک به معنای محل طبخ نان است (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۳؛ صاحب‌ابن‌عباد، ۱۴۱۴: ۳۵۳/۸؛ ثعالبی، ۱۴۲۲: ۲۰۸؛ زمخشری، ۱۴۱۹: ۹۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۴: ۹۵/۴؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۷۷/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۳۴/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳۴/۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۴۴۸/۱)؛ البته سیوطی دامنه اشتراک این واژه را در بحث از «معرفه توافقی اللغات» به دیگر زبان‌ها غیر از فارسی و عربی می‌کشاند (سیوطی، ۱۴۱۴: ۱۲۰/۱) و در جایی دیگر با تأکید بیان می‌کند که واژه «تنور» لفظ مشترک تمامی زبان‌ها است (سیوطی، ۱۴۱۴: ۳۱۸/۲). زمخشری تأکید می‌کند که عرب برای این واژه معنایی جز این ندارد (زمخشری، ۱۳۸۹: ۱۳۸/۱). معانی دیگر مانند محل جوشش آب [چشمه] (ر.ک: خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۳؛ صاحب‌ابن‌عباد، ۱۴۱۴: ۲۵/۹)، روی زمین (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۳۴/۳)، محل جمع شدن آب در دره (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳۴/۶) نیز برای این واژه گفته شده است که البته با تأکید طریحی، در سیاق آیه مورد بحث، تنور به معنای روی زمین است. در مقام استعاره نیز لغویان در بحث از «وطیس»، تنور را به معنای «وطیس» دانسته‌اند که دلالت بر شدت کار دارد (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۲/۶، طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۳/۴). گفته شده است عبارت «الآن حمی الوطیس» در حدیثی از پیامبر در بحبوحه جنگ حنین، به شدت گرفتن جنگ اشاره دارد و بهترین کنایه استعاری به‌کاررفته از سوی پیامبر بوده که سابقه‌ای نیز نداشته است (طریحی، ۱۴۰۴: ۱۲۳/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۴۴۸/۱).

سیوطی در المزهَر در فصلی باعنوان «فی البنات» که ناظر بر ترکیب‌های معنایی برگرفته از «بنت» است، به ترکیب مشتق از «تنور» اشاره کرده و می‌گوید: «... بنت تُنور: الخُبْزَةُ» (۱۴۱۸: ۴۰۷/۱)، این ترکیب که به معنای «یک قرص نان» است و در زمره ساخت‌های ثانوی واژه «تنور» قرار می‌گیرد، به قدمت واژه تنور و همچنین معنای اصلی آن اشاره می‌کند.

امروزه با جمع و طبقه‌بندی اطلاعات در حوزه ریشه‌شناسی نوین واژه «تنور» می‌توان به هسته اصلی معنایی این واژه دست یافت. مشکور پس از بررسی این واژه در زبان‌های مختلف اکدی، سریانی، فارسی، پهلوی، اوستایی و... به این نتیجه رسیده است که این واژه از زبان ایرانی

وارد نشده است و ظاهراً وام‌واژه از زبان‌های سامی است (مشکور، ۱۳۵۷: ۱۰۷/۱)؛ بنابراین این واژه در پهنه وسیعی از زبان‌های هندواروپایی و آفروآسیایی وجود دارد. جفری نیز در مورد ریشه‌شناسی واژه تنور براساس اشعار کهن، منابع فقه‌اللغة اسلامی و نیز بررسی واژه در زبان‌های هندواروپایی و آفروآسیایی به این نتیجه رسیده که معنای اصلی و مرکزی واژه، همان تنور نان و کوره است. وی در پایان بررسی معتقد است که قدمت این واژه از نظر کاربرد حتی به قبل از زبان‌های سامی و قبل از زبان‌های هندواروپایی برمی‌گردد (Jeffery, 2007: P 94-95). با توجه به دیدگاه لغت‌شناسان، معنای اصلی واژه تنور، همان تنور نان‌پزی، کوره یا چیزی شبیه آن است.

۴- مفهوم‌شناسی «فارتنور» از نظر مفسران

براساس معانی مختلف واژه «تنور»، مفسران در تفسیر عبارت «فارتنور» نظرات مختلفی بیان کرده‌اند که در ادامه بررسی شده است.

۴-۱- حمل تنور بر معنای حقیقی

با تأکید بر معنای حقیقی که نشان‌دهنده معنای موضوعی واژه نیز است، بسیاری از مفسران متقدم و متأخر، «تنور» را به معنای حقیقی، یعنی دلالت بر محل طبخ نان حمل کرده‌اند. از آنجایی که در معنای «فور» اختلافی نیست. عبارت «فارتنور» را به معنای برآمدن آب از تنور دانسته‌اند که نشانه‌ای بر شروع طوفان و عذاب وعده داده شده است (ر.ک: فراء، ۱۹۸۰: ۱۴/۲؛ طبری، ۱۴۲۰: ۳۱۷/۱۵-۳۲۲؛ زمخشری، ۱۳۸۹: ۳۴۶/۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۷/۱۰؛ سید قطب، ۱۴۰۸: ۱۸۷۷/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۰/۶)؛ طرفداران این معنا از تنور به سه دلیل برای گزینش این معنا استناد کرده‌اند:

دلیل نخست: هرگاه معنا دایر بر معنای حقیقی و مجازی باشد، انتخاب معنای حقیقی که در کلام عرب معمول و دارای شهرت بیشتر بوده، به صواب نزدیک‌تر است (سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ۱۷۰/۲؛ طبری، ۱۴۲۰: ۳۲۲/۱۵؛ زمخشری، ۱۳۸۹: ۳۴۶/۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۷۲/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۷/۹).

دلیل دوم: این نظر علاوه بر دلیل نخست، دارای پشتوانه روایی و بیشترین روایات است (ر.ک: سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ۱۷۰/۲؛ ثعالبی، ۱۴۲۲: ۲۸۳/۳؛ طوسی، [بی تا]، ۴۸۶/۵؛ عیاشی، ۱۳۸۱: ۱۴۷/۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۴۴۳/۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۷۰/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۶۱/۵). علامه مجلسی نیز

که در بررسی پاره‌ای از روایات بحارالانوار، پس از نقل روایات اظهارنظر کرده است، در روایات مربوط به «فارالتنور» نیز به پشتوانه روایات، معنای تنور نان را برگزیده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۴/۱۱).

دلیل سوم اینکه برخی مفسران دلیل‌گزینش این نظر را دیدگاه بیشتر مفسران دانسته‌اند (بغوی، ۱۴۲۰: ۴۴۸/۲). به نظر می‌رسد این دلیل مبتنی بر دلیل دوم باشد که خود مبتنی بر روایات است؛ یعنی شهرتی که مبتنی بر کثرت روایات است.

بررسی و نقد

۱- حمل تنور بر معنای حقیقی و تفصیل فوران تنور زمان حضرت نوح^(ع) براساس روایات نقل شده دارای اختلاف الفاظ و اضطراب فراوان است. در برخی از روایات، تنور به تنورخانه نوح و در برخی دیگر به تنور پیرزنی که در نزدیک کشتی نوح در حال پختن نان بوده است، اشاره دارد؛ علاوه بر آن، محل تنور نیز در روایات مختلف، کوفه، شام و هند گفته شده است. به علاوه سیوطی روایتی متفاوت از فوران آب از تنور را نقل می‌کند؛ خلاصه ماجرا در خبر نقل شده از وی این است که وقتی آب اطراف کشتی بالا آمد، خبر به فرعون آن زمان رساندند که آن کسی [نوح] را که مجنون می‌خواندید، هم‌اکنون آنچه را که وعده داده بود، آورده است. وقتی فرعون به نزد نوح آمد، نوح به آب اطراف مرکب فرعون اشاره کرد که الان زمان وعده رسیده است، چون آب از همه جا می‌جوشد (سیوطی، ۱۴۱۴: ۴۳۰/۴).

۲- سیدقطب آشفتگی و جزئیات ماجرای فوران آب از تنور را ساخته تخیل دانسته و روایات را اسرائیلیاتی می‌داند که از ظاهر آن‌ها مجعول بودنشان آشکار است (سید قطب، ۱۴۰۸: ۱۸۷۷/۴).

۳- دلیل باورمندان به معنای نخست که روایات را پشتوانه انتخاب خود می‌دانستند، براساس اضطراب فراوان روایات و وجود روایات متعارض مخدوش است. هرچند در این مجال بررسی و نقد روایات ممکن نیست، ولی با توجه به آشفتگی روایات و بیان جزئیات که از ویژگی‌های روایات برساخته اسرائیلیات است، استناد به روایات جایگاه محکمی ندارد. از سوی دیگر، دلیل دوم نیز دارای اتقان نیست؛ زیرا برخلاف نظر افرادی که حمل بر معنای حقیقی تنور یعنی تنور نان را معنای حقیقی و اصلی می‌دانستند، آیت‌الله معرفت معتقد است که براساس استعمال عرب، اصل معنای تنور، رستگاه آب و چشمه‌سارانی است که آب از آن به جوش می‌آید و از همین رو به

تالاب‌های میان دشت نیز تنور می‌گویند (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۶۸/۲). ضمناً در پاسخ به کسانی که الف و لام موجود در «التَّوْر» را الف و لام عهد دانسته‌اند و معتقدند باید تنوری مشخص باشد، باید گفت که الف و لام می‌تواند، الف و لام جنس باشد تا اشاره کند وقتی همه جای زمین یا همه چشمه‌ساران جوشیدند و فوران کردند، عذاب آغاز و دستور سوارشدن بر کشتی صادر شد.

۴-۲- حمل تنور بر معنای مجازی

برخی دیگر از مفسران که گروهی از آن‌ها احتمال معنایی نخست را مطرح کرده‌اند، احتمال معنایی دیگری را نیز مطرح کرده‌اند. در این قسمت ابتدا نظرات مفسران بیان می‌شود، سپس دلیل کسانی که این معنا را برگزیده‌اند، بررسی می‌شود.

۴-۲-۱- سطح زمین

برخی از مفسران مراد از تنور را سطح زمین دانسته‌اند. این دسته از مفسران با انتساب نظرشان به ابن عباس، زهری و عکرمه، دلیل این انتخاب معنا را آیه ۱۲ سوره مبارکه قمر دانسته‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۵؛ طوسی، [بی‌تا]: ۴۸۶/۵). برخی نیز تصریح کرده‌اند که عرب به سطح زمین نیز تنور می‌گوید (بغوی، ۱۴۲۰: ۴۴۸/۲؛ طبری، ۱۴۲۰: ۳۲۲/۱۵؛ سیدمرتضی، [بی‌تا]: ۱۷۰/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۷۲/۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶/۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۳/۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۰/۱۲؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۱۶۸/۲). به باور این گروه به‌خصوص فخررازی که صریحاً معنای تنور نان را به‌عنوان معنای حقیقی برگزیده است، این معنا که عرب سطح زمین را تنور می‌نامد، معنای مجازی است. البته طبری معنای تنور نان نسبت به معنای سطح زمین را در کلام عرب معمول‌تر و مشهورتر می‌داند (طبری، همان‌جا). برخی نیز به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که جامع دو معنای تنور نان و سطح زمین است؛ صاحب تفسیر «اللباب فی علوم الکتاب» می‌گوید که آب از همه جای زمین جوشید حتی از تنورها (ابن عادل، ۱۴۱۹: ۴۸۵/۱۰) و قرشی نیز می‌گوید: آب از همه مکان‌ها جوشید، اما از تنور به‌عنوان اعلام [وعده] بود (قرشی، ۱۳۷۵: ۴۹۳/۴) یا ابن عاشور می‌گوید: آب از همه سطح زمین جوشید تا به سطح تنور یا زمین بلند رسید (ابن عاشور، ۱۴۲۲: ۷۰/۱۲ نیز ر.ک: خطیب، ۱۴۲۴: ۱۱۴۰/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۷/۹).

بررسی و نقد

با توجه به اینکه حمل معنای تنور بر معنای مجازی نیازمند قرینه است، در عبارت «فالتَّوْر»، تنور به معنای حقیقی است. عدم تصریح برخی از مفسران به معنای مجازی و نیز تردید برخی

دیگر از مفسران نسبت به معنای مجازی و ارائه معنای جامع، بیانگر این است که این دیدگاه امکان طرح به‌عنوان نظر برگزیده ندارد.

۴-۲-۲- جای بلند و مرتفع زمین

برخی مفسران به نقل از قتاده، احتمال معنایی تنور به معنای مکان‌های مرتفع زمین را مطرح کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۳/۹). ابن جوزی به نقل از ابن‌الانباری دلیل این نظر را این می‌داند که جاهای بلند زمین و مکان‌های مرتفع را به سبب بلندی به تنور تشبیه کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۷۲/۲ و نیز رک: فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶/۱۷). با توجه به وسعت طوفان نوح، جوشیدن آب حتی از مکان‌های مرتفع به دور از ذهن نیست؛ اما با بررسی‌های صورت گرفته اطلاق تنور بر مکان‌های بلند خیلی شایع و شناخته شده نیست.

۴-۲-۳- طلوع سپیده دم

برخی از مفسران با استناد به نقلی از امیرمؤمنان^(ع) «فارتنور» را به معنای طلوع سپیده دم دانسته‌اند (بغوی، ۱۴۲۰: ۴۴۸/۲ سیدمرتضی، [بی‌تا]: ۱۷۰/۲؛ طبری، ۱۴۲۰: ۳۱۷/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۵؛ طوسی، [بی‌تا]: ۴۸۶/۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶/۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۳/۹). براساس بررسی نگارندگان ابن جوزی تنها مفسری است که قائل به تفصیل شده و اقوال در این زمینه را به سه قول تنویر صبح، طلوع فجر و طلوع خورشید تقسیم کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۷۲/۲؛ البته به نظر می‌رسد ریشه اصلی این قول مربوط به امیرمؤمنان^(ع) است که در دوره‌های بعدی تغییرات جزئی پیدا کرده است.

بررسی و نقد

ابن عطیه دلالت تنور بر تنویرالصبح را از جهت صرفی و ساختمان کلمه بعید می‌داند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۷۰/۳). گفته شده است سید مرتضی نیز این نظر را مجاز و جزو بطن‌های قرآن دانسته است که از سوی امیرمؤمنان^(ع) مطرح شده است (فطوی و سام، ۸۰/۱). آلوسی با تأکید بر اینکه این معنا در زبانی که از آن گرفته شده (عجمی) وجود ندارد، می‌گوید این معنا بعید است (۱۴۱۵: ۲۵۰/۶). با توجه به اینکه براساس نظر لغویان، «تنور» در زمره قاعده توافقی لغات قرار می‌گیرد؛ معنای «فارتنور» به سرزدن صبح بعید به نظر می‌رسد و در صورت اثبات درستی روایات که جای بحث آن در این مقاله نیست، به‌ناچار باید جزو تأویلاتی باشد که از زبان معصوم جاری شده

است، به‌ویژه که اقوال مطرح‌شده در این معنا تنها منتسب به امیرمؤمنان(ع) یا شاگرد ایشان ابن عباس است.

۴-۲-۴- مکان جمع‌شدن آب در کشتی

برخی معتقدند که وقتی قسمتی از آب کشتی در پشت یکی از درهای آن جمع شد و بالا آمد و فوران کرد، دستور سوارشدن صادر شد (سیدمرتضی، ۱۴۳۱، ۴۳۶/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۳/۹).

بررسی و نقد

از نظرگاه لغویان محل جمع‌شدن آب در روی زمین «تنور» نامیده می‌شود؛ اما اطلاق این معنا بر جمع‌شدن آب در کشتی جز توضیحات برخی مفسران در ذیل این آیه، جایی دیگر دیده نشده است. به‌نظر می‌رسد این معنا نیز برگرفته از روایتی است که سیوطی نقل کرده و پیش‌ازاین بدان اشاره شد.

۴-۳- تعبیر اصطلاحی

برخی از مفسران در تفسیر «فارتنور» هرچند تک‌تک واژگان را حمل بر معنای حقیقی کرده‌اند؛ اما تمام عبارت را یک تعبیر دانسته‌اند و از مجموع نظر مفسران می‌توان دو معنا برای این تعبیر یافت:

نخست اینکه کنایه از غایت خشم خداوند نسبت به کافران قوم نوح و اشاره به انتقام خداوند از آن‌ها دارد. این دسته از مفسران این تعبیر را عموماً با تعبیر «حَمِي الْوَطِيسُ» که منسوب به پیامبر در بحبوحه جنگ حنین است، معادل دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۵). «حَمِي الْوَطِيسُ» به این معناست که تنور جنگ گرم شد و آتش جنگ شعله‌ور گردید، تعبیر نزدیک به آن یعنی «فارتنور» به معنای، وقتی غضب الهی شدت گرفت، است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۷/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۷/۹).

دوم براساس همان تعبیر «حَمِي الْوَطِيسُ» اما این بار مفهوم آیه بدین معناست که وقتی دیدی کار بالا گرفت و آب زیاد شد خودت و دیگران را نجات بده (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶/۱۷)؛ تفاوت این معنا با معنای نخست در این است که در این معنا «فارتنور» به شدت گرفتن جریان و فوران آب اشاره دارد، نه شدت غضب خداوند. زمخشری نیز بدون تفصیل اشاره کرده است که «فارتنور» به معنای این است که وقتی کار به سرآمد خویش رسید، دستور سوارشدن بر کشتی

صادر شد (زمخشری، بی تا: ۳۴۶/۱۷)؛ ابن عطیه نیز در انطباق تعبیر «فارتنور» بر «حَمِي الوَطِيسُ» می‌گوید، فرقی میان معنای وطیس و تنور نیست. سیدمرتضی از اصطلاح «قَد فارتِ قَدَر القوم» نیز نام می‌برد که عرب آن را به کار می‌گرفته است (سیدمرتضی، ۱۴۳۱: ۱۷۰/۲). ابن عاشور نیز با استناد به بیت شعری، تعبیر «فارتنور» را تمثیلی برای شدت اوضاع و احوال می‌داند. وی «فارتنور» را تمثیلی برای رسیدن چیزی به بالاترین مقدار می‌داند، مانند اینکه در مثل گفته می‌شود، «بلغ السيل الزبي» یعنی سیل به بالاترین حد خود رسید (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۰/۱۲)؛ این مثل در زبان عربی برای کسی به کار می‌رود که از حد گذشته باشد، یا کاری که به‌غایت خویش رسیده و شدت یافته باشد (ر.ک: یوسی، ۱۴۰۱: ۱۵۷/۱؛ بغدادی، ۱۴۱۸: ۴/۶). این معنا دقیقاً مشابه این است که در زبان فارسی گفته شود، «کارد به استخوان رسید» یا «آب از سرگذشت».

۴-۳-۱- نقد و بررسی دیدگاه مفسران

برخی از مفسران با همان استدلالی که دیدگاه نخست را پذیرفته‌اند، عدم‌پشتوانه روایی و نیز معنای مجاز را دلیل ضعیف‌شمردن این برداشت از آیه دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۷/۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶/۱۷). سید شریف مرتضی نیز برداشت تفسیری غضب خداوند از «فارتنور» را بدترین قول می‌داند (سیدمرتضی، ۱۴۳۱: ۴۳۶/۲)؛ اما به‌نظر می‌رسد توضیح وی در مورد ترجیح حقیقت نسبت به مجاز، دلیل ردّ این قول است. آلوسی نیز ناسازگاری با اخبار آمده را دلیل عدم‌پذیرش این دیدگاه می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۰/۶). براساس آنچه گفته شد، اگر اضطراب در روایات را بپذیریم و به این نکته توجه کنیم که در قرآن اصطلاح وجود دارد و میراث مکتوب تفسیری مانند «مجازالقرآن» ابوعبیده نیز مؤید آن است. در این صورت این دیدگاه به صواب نزدیک‌تر است و زمینه مناسبی برای پژوهش‌های زبان‌شناختی در حوزه اصطلاحات قرآنی است؛ زیرا هم دارای پشتوانه کافی در حوزه مباحث زبان‌شناسی کهن قرآنی است؛ یعنی مبتنی بر اصول محاوره‌ای زبان عربی است و هم از منظر روش‌شناسی تاریخی قابل‌توجیه است؛ بنابراین نظر نگارندگان در این مقاله نیز همسو با نظر ابن‌عاشور است. البته در فضای آکادمیک، این نظر نیازمند تبیین روش‌شناختی است.

۵- طرح و بررسی دیدگاه حسن‌الدین احمد در مورد تعابیر اصطلاحی

کتاب «A New Approach to the study of the Quran» به دلیل ساختار فهرست‌گونه اطلاعاتی که مبانی و روش مؤلف را مشخص سازد، ندارد؛ از این رو تأمل در مقدمه ۶ صفحه‌ای کتاب، رویکرد وی را نسبتاً روشن می‌سازد.

حسن‌الدین احمد در آغاز مقدمه کتاب با تأکید بر آیه ۲۹ سوره مبارکه «ص» و ۲۷ سوره مبارکه «زمر»، روش فهم قرآن را تدبر و تأمل دقیق در آیات دانسته است و تصریح کرده که کتابش با همین هدف سامان یافته است (Hasanuddin Ahmed:2008, 7). وی کتاب خویش را بر این حقیقت مهم مبنا نهاده است که قرآنی که امروز در دست مردم است، دقیقاً همان قرآنی است که پیامبر دریافت کرده و به همان صورت به صحابه خویش منتقل ساخته است. وی همچنین در دسترس بودن پیام قرآن برای همگان و امکان فهم آن در صورت ارتباط هوشمندانه و صمیمانه را برای ابداع روشی که هر محقق بتواند قرآن را بفهمد، ضروری می‌داند (Ibid: 8). حسن‌الدین احمد بدون اشاره به شاهد خاصی معتقد است، اگر تلاش‌های گذشتگان رصد شود، بهترین تلاش‌ها در حوزه تبیین زیبایی‌های ادبی شکل گرفته است. وی بر این اساس پس از بررسی اسالیب قرآن، مهم‌ترین عامل فهم قرآن را در گرو فهم تعابیر و اصطلاحات قرآن می‌داند و معتقد است قرآن اصطلاحات خاص خود را دارد که بدون فهم کامل آن‌ها تمام تلاش‌ها برای فهم قرآن بی‌فایده خواهد بود. راهکار عملی حسن‌الدین بر دو قاعده مهم استوار است:

نخست: ملاک و معیار فهم درست اصطلاحات، معنایی است که اصحاب پیامبر(ص) در زمان ایشان از قرآن می‌فهمیدند... و همان سبب شد تا زندگی آنان کاملاً تغییر پیدا کند.

دوم اینکه، اصطلاحات غیراسلامی ما را از معانی صحیح قرآن دور کرده است، اگر اجزاء یک اصطلاح به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شوند - که در برخی موارد واقعاً این اتفاق افتاده است - معنا تمسخرآمیز و مضحک خواهد شد (نک: Ibid: 10).

بر اساس نظر حسن‌الدین احمد، قرارگرفتن در فضای نزول آیات و درک برون‌متنی (تاریخی - جامعه‌شناختی) از آیات قرآن ضروری است. ایشان در بیان تعبیر چنین می‌گوید: «تعبیر حالت بیانی خاصی از یک‌زبان است.» گاهی کلمات و عبارات معنای ضمنی متفاوتی از معنای تحت‌اللفظی‌شان دارند که از طریق کاربرد آن تثبیت شده و اغلب معنایی متفاوت از معنای دستوری و منطقی آن دارد؛ به عبارت دیگر، تعبیر حالتی از کاربرد یک زبان است که معنایی

متفاوت از معانی به‌دست‌آمده از عناصر مشترک آن دارد؛ بنابراین در صورت تفسیر یا ترجمه یک تعبیر به زبان دیگر، باید آن را براساس کاربردش در زبانی که به آن متعلق است، تفسیر کرد (Ibid: 164).

قرآن کریم از تعابیر متعددی استفاده کرده است. تشخیص این تعابیر امری ضروری است، در غیر این صورت احتمال اینکه محقق قرآنی‌ای که درصدد جستجوی پیام قرآن از طریق اجزاء آن بوده است، به اشتباه افتد، بسیار زیاد است (ibid: 8). بنابر مقدمه حسن‌الدین احمد و نیز بحث از تعابیر و تبیین آن‌ها، ضرورت تبیین درست تعابیر و تأثیر مهم آن‌ها در فهم قرآن، فهمیده می‌شود؛ اما حسن‌الدین احمد نه به میراث گذشتگان که تلاش‌های زیادی در این مسیر انجام داده‌اند اشاره می‌کند و نه خود روش روشنی ارائه می‌دهد.

۵-۱- نظر حسن‌الدین احمد در مورد معنای «فَارْتَنُّور»

حسن‌الدین احمد معتقد است، عبارت «فَارْتَنُّور» مطابق با آیات ۴۰ سوره مبارکه «هود» و ۲۷ سوره مبارکه «مؤمنون» تعبیری است که نباید آن را تحت‌اللفظی ترجمه کرد. «فار» در لغت یعنی فوران و جوشش و «تنور» به معنای کوره و اجاق است. اگر معنای تحت‌اللفظی عبارت مدنظر باشد، این عبارت یعنی «تنور فوران کرد». همان‌گونه که بسیاری از مفسران و مترجمان تحت‌اللفظی ترجمه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که واقعاً آب از تنور ریزش و فوران کرده است (Ibid: 168).

«فَارْتَنُّور» در قالب تعبیر به این معناست که سیل به‌نهایت حد خود رسید. کاربرد واژه «تنور» مجازی برای اشاره به سیل است. واژه «تنور» به‌طور جداگانه در قرآن استفاده نشده است، اما واژه «فَوْرِهِمْ» در عبارات قرآن یافت می‌شود.

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران / ۱۲۵)؛ «آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری کنید و با همین جوش [و خروش] (فَوْرِهِمْ) بر شما بتازند، همان‌گاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد».

عبارت «أَوْقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ» (آتش جنگ را برافروختند) نیز در قرآن آمده است: «... وَالْقِيَامَةَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (مائده / ۶۴)؛ «... و تا روز قیامت میان‌شان دشمنی و

کینه افکنديم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد» (Ibid: 168).

پیامبر اکرم (ص) نیز عبارت «الآن حمی الوطیس» را به‌کار می‌بردند. معنای لفظی «حمی» داغ‌شدن و «وطیس» میدان نبرد است. عبارت مذکور در قالب تعبیر به معنای «چون جنگ به اوج خود رسید» است. تعبیر «فارتنور» نیز در پرتو عبارات فوق فهمیده می‌شود؛ بنابراین «فَارَ التَّنُورُ» در آیات ۴۰ سوره مبارکه «هود» و ۲۷ سوره مبارکه «مؤمنون» به این معناست که «سیل به اوج ارتفاع خود رسید» (ibid:169).

علی‌رغم بسیاری از مفسرین که معنای «تنور» را حقیقی گرفته‌اند، حسن‌الدین با برگرفتن معنای مجازی واژه، آن را برای اشاره به سیل تعبیر کرده است. ضمن آنکه به‌طور بسیار مختصر علاوه بر استناد قرآنی بر جنبه لغت‌شناسی و سابقه تاریخی آن تأکید کرده و با این مبنا تفسیر جدیدی را به ذهن متبادر کرده است. رویکرد حسن‌الدین احمد در تبیین تعبیر قرآنی، صورت معنایی متفاوتی را ارائه می‌دهد که بررسی و تحلیل دیدگاه بسیاری از مفسران و همچنین تبیین لغویان آن را برمی‌تابد.

۵-۱-۱- نقد رویکرد حسن‌الدین احمد در تبیین معنای «فارتنور»

رویکرد حسن‌الدین احمد در تبیین معنای «فارتنور» مبتنی بر لزوم درک فهم پیشینان از تعبیر است؛ بنابراین خواننده را به تأمل واداشته و احساس پی‌جویی دیدگاه لغویان و مفسران را در مخاطب ایجاد می‌کند و اثری ارزشمند برای ترجمه و ترویج نگاه‌های نو به قرآن است که در حوزه شبه‌قاره چین آثاری کم نیست؛ اما از این جهت که مبانی و روش مناسبی ارائه نمی‌کند، راهی برای ارزیابی برداشت‌های وی از تعبیر را ممکن نمی‌سازد.

۵-۱-۱-۱- نقد مبانی

همان‌گونه که در مقدمه این پژوهش آمد، احساس نیاز به پرسش از معانی واژگان و تعبیرات قرآنی در سده‌های نخست و همچنین بازبینی معانی واژگان و اصطلاحات قرآنی، ضروری است اما این ضرورت مبتنی بر مبانی است و پژوهندگان قرآنی در طلیعه آثار خود به این مبانی اشاره کرده‌اند یا مبانی آن‌ها قابل کشف است؛ به‌عنوان نمونه، مبانی ابو عبیده در دو مقدمه کتاب غریب‌القرآنش قابل شناسایی است (برای نمونه: نک: ابو عبیده، مقدمه)، اما مبانی حسن‌الدین احمد با وجود رویکرد مشابه ابو عبیده، به‌سختی قابل کشف است.

جایگاه مبانی در تدوین اثری که ماهیتاً رویکردی زبان‌شناختی به آیات قرآن دارد، بسیار مهم است. هر رویکردی نسبت به قرآن و به‌ویژه رویکرد زبان‌شناختی، با تاریخ‌مندی قرآن ارتباط تنگاتنگی دارد. رویارویی با متن قرآن و تحلیل آن بدون توجه به اینکه دارای تاریخ پرفرازونشیب است، اگر نگوییم میسر نیست، کامل نخواهد بود.

حسن‌الدین‌احمد در تبیین تعبیر «فارتنور» با اشاره به واژه‌ای مشابه در جریان یکی از جنگ‌های پیامبر (ص) تلاش می‌کند تبیین زبان‌شناختی خود از تعبیر «فارتنور» را بر مبنای استوار سازد؛ اما توضیح وی از تعبیر مشابه «حَمَى الوَطَيْسُ» هرچند از منظر مصداقی درست است، تبیین‌کننده مبنا نیست. مبنا با مصداق استوار نمی‌شود، بلکه مبنا در مورد متن قرآن، نیازمند تحلیل‌هایی است که فراگیر و از نظر ماهیت، تاریخی باشد. به نظر می‌رسد به‌عنوان مبانی که کامل‌کننده تبیین حسن‌الدین‌احمد از «فارتنور» است، مواردی مانند نیاز قرآن به تبیین و تفسیر، تبیین قرآن با شعر جاهلی و نیز ضرورت رویکرد تاریخ‌انگاره‌ای به تعبیر قرآنی می‌تواند مطرح شود، به‌ویژه که از شخصی چون حسن‌الدین‌احمد توقع است؛ زیرا وی قبل از تدوین این اثر به دلیل ارتباط با حوزه‌های مطالعات اسلامی قطعاً با روش‌های نوین در حوزه تحلیل زبان قرآن از منظر زبان‌شناسی آشنایی داشته است. مگر اینکه در دیگر آثارش به‌خصوص کتاب «Introducing The Quran: How To Study And Understand The Quran» مبانی خویش را به‌صراحت بیان کرده باشد که به سبب عدم دسترسی به آن نمی‌توان اظهار نظر کرد.

در شکل کنونی، حسن‌الدین‌احمد تنها فهرستی از تعابیر را ارائه می‌دهد که معانی آن‌ها براساس مبنای خاصی تبیین نشده است و چنین رویکردی اثر وی را از یک فرهنگ لغت و اصطلاحات تخصصی فراتر نمی‌برد.

۵-۱-۲- نقد روشی

از آن‌رو که روش، مبتنی بر مبانی و اصول است و حسن‌الدین‌احمد مبانی روشنی را ارائه نکرده است، روش وی قابل‌کشف نیست. به نظر می‌رسد، آنچه در تبیین تعابیر بیان می‌کند، نوعی تبادر است؛ اگر مانند آنچه در این مقاله در مورد بررسی «فارتنور» از نظر لغویان و مفسران گذشت، صورت نپذیرد و مشخص نشود که تبیین حسن‌الدین‌احمد قابل‌پیگیری در برخی از تفاسیر است؛ در آن صورت به نظر می‌رسد که آنچه وی بیان داشته، حتی نوعی شهود است. این ادعا را نمی‌توان به‌صورت جزئی مطرح کرد؛ اما به نظر می‌رسد تبیین رویکردهای نو بدون ارائه روش

مشخص در بسیاری از آثار مفسران و قرآن‌پژوهان شبه‌قاره مانند تهانوی، اصلاحی و فراهی دیده می‌شود. رویکردهایی که قرائن فراوانی بر درستی آن‌ها به صورت کلی وجود دارد، اما باید آزموده شود تا بتواند به عنوان یک اصل روش‌شناختی مورد تبعیت قرار گیرد. مطالبی که حسن‌الدین احمد در مورد تبیین تعابیر ارائه می‌دهد بدیع می‌نماید؛ اما فقر روش‌شناختی، ایراد جدی وی است. از آن‌رو که روش تحقیق فرایندی است؛ به ایرادات تبیین حسن‌الدین احمد از منظر مراحل مختلف روش تحقیق پرداخته می‌شود.

الف. نقد در سطح دریافت و ادراک

دریافت یا ادراک (perception) در روش تحقیق مقدم بر سایر اجزا است. اینکه در اطلاعات دریافت شده تناقض وجود دارد یا نیازمند بازپژوهی است، بستر ورود به تحقیق است (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۴۳). انتخاب تعابیر از سوی حسن‌الدین احمد باید دارای سطحی از ادراک محققانه باشد؛ به عبارت دیگر روشن نیست که چرا حسن‌الدین احمد این تعابیر خاص را انتخاب کرده است؛ زیرا گام نخست تحقیق انتخاب موضوع و در بحث حسن‌الدین احمد انتخاب تعبیر است که مشخص نشده است. چون مرحله دریافت و ادراک از تعابیر روشن نشده است، مراحل بعدی تحقیق که در ادامه مورد نقد قرار گرفته، عقیم است.

ب. نقد در سطح انتخاب روش

با وجود سابقه تاریخی و ماهیت زبان‌شناختی تعابیر انتخابی حسن‌الدین احمد، روش تبیین تعابیر روشن نشده است. الگوهای روش تحقیق جدید در زمینه تبیین زبان‌شناختی پیشرفت زیادی کرده است. حتی اصطلاح‌شناسی (Terminology) به عنوان یک دانش مستقل مطرح شده است (فلبر، ۱۳۸۳: ۲۰۰)؛ بنابراین بیان روش تحقیق برای فهم دقیق آنچه مؤلف به دنبال تبیین آن است و همچنین ارزیابی آنچه بیان می‌نماید، ضروری است.

تحلیل و تبیین حسن‌الدین از تعابیر قرآنی در زمره روش‌های تاریخی - زبان‌شناختی قرار می‌گیرد. بی‌توجهی به روش‌های تحقیق، پژوهشگر را در مسیر تبیین ذوقی و تفسیر به رأی قرار می‌دهد و خوانش روشمند تعابیر قرآن را به خوانشی شخصی بدل می‌سازد.

۵-۱-۱-۳- نقد در سطح تدوین

مکمل روش تحقیق مآخذشناسی و بهره‌گیری روشمند از منابع است. منابع مورد نیاز حسن‌الدین، آثار لغوی و تفسیری است؛ اما حسن‌الدین به منابع اشاره‌ای نمی‌کند. در این پژوهش، ابتدا نظر

مفسران و لغویان در مورد تعبیر «فارتنور» بیان شد تا ضعف روشی و مأخذشناسی حسن‌الدین بهتر دیده شود. به عبارتی دیگر، راه نرفته حسن‌الدین احمد در این پژوهش در سیر تبیین لغویان و مفسران روشن شد. به خصوص که مشخص شد آنچه حسن‌الدین احمد به‌عنوان رویکردی نو و بدیع از آن یاد می‌کند، در آثار برخی از مفسران به خصوص ابن‌عاشور وجود دارد. با وجود انتقادات مطرح‌شده، به این دلیل که حسن‌الدین احمد کوشیده است رویکرد ادبی و زبانی قرآن را برجسته کند، اثرش ارزشمند است. هرچند رویکرد حسن‌الدین در آثار برخی از مفسران قابل‌پی‌جویی است؛ اما صراحت و جزم وی در تبیین تعبیراتی چون «فارتنور» درخور توجه است و زمینه کشف نظرات مفسران همسوی یا نزدیک با وی مانند زمخشری، سید مرتضی و ابن‌عاشور را فراهم می‌سازد؛ از این رو در این پژوهش ابتدا نظر مفسران بیان شد.

۶- نتیجه

هرچند تبیین حسن‌الدین احمد از «فارتنور» تحت‌اللفظی نیست و با نظر برخی از مفسران در تبیین اصطلاحی «فارتنور» همسو است؛ اما از منظر مبنایی و روشی و مأخذشناسی نقدپذیر است؛ حسن‌الدین احمد مبنای صریحی برای انتخاب خود از معنای «فارتنور» ارائه نمی‌دهد؛ از منظر روش‌شناختی نیز روش خاصی ارائه نکرده و تبیین فارتنور در کنار سایر تعبیرات به اثر وی قالب فرهنگ اصطلاح داده است، از منظر پدیده دریافت در پژوهش، مؤلف ساکت است و از منظر مأخذشناسی نیز به آثار مفسرانی که به این معنا پرداخته‌اند و در این مقاله بدان پرداخته شد، اشاره نمی‌کند.

اما در معنای فارتنور از نظر رعایت روش‌شناسی، «فور» در لغت به معنای فوران و جوششی است که به دود و آتش نسبت داده می‌شود و در معنای مجازی این فوران به غضب نیز نسبت داده شده است. تنور نیز در لغت با وجود اختلاف نظر در فرجام براساس کتاب‌های لغت و همچنین فرهنگ زبان‌های سامی، به معنای تنورن است. نظرات مفسران در مورد فارتنور با توجه به حقیقی و مجازی دانستن معنای تنور متفاوت است. اول: معنی حقیقی نور که مبتنی بر روایات است و منجر به ترجمه تحت‌اللفظی از «فارتنور» می‌شود. این معنای مفسران چون مبتنی بر روایات مضطرب است مردود است. دوم: معنای مجازی تنور ناظر بر ۴ معناست؛ معنای مجازی نخست سطح زمین است که دارای قراین کافی برای پذیرش نیست و مردود است، معنای مجازی دوم «جای بلند و مرتفع» است که معنای شایع و شناخته‌شده‌ای نیست و بیشتر ذوقی

می‌نماید و مردود است. معنای مجازی سوم، «طلوع سپیده‌دم» است که از لحاظ صرفی و ساختمان کلمه وجه درستی ندارد و مبتنی بر بطن قرآن است. معنای مجازی چهارم یعنی «محل جمع شدن آب»، مبتنی بر همان روایاتی است که در معنای نخست گفته شد و به دلیل اضطراب روایات، مردود دانسته شد. سوم: معنای اصطلاحی که مبتنی بر معنای تک‌تک واژگان «فارتنور» نیست و بنا بر استناد فعل «فار» به خداوند یا آب، به ترتیب به معنای به‌غایت‌رسیدن غضب الهی و نیز به بالاترین حد رسیدن آب است. براساس اصول محاوره‌ای عرب، روش‌های تاریخی - جامعه‌شناختی و قرائن دیگر تعبیر اصطلاحی «فارتنور» به معنای «به بالاترین حد رسیدن آب» مورد نظر نگارندگان است و تبیین حسن‌الدین احمد از این بررسی روشمند خالی است.

۷- منابع

۱. قرآن
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۳. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲.
۵. ابن عادل، عمر بن علی، اللباب فی علوم الکتاب، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، ۱۴۱۹.
۶. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰.
۷. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحررالوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲.
۸. ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.

٥٠. أبو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، تحقیق: فؤاد سزگین، قاهره: مکتبه الخانجی، [بی تا].
١١. احمدزاده، سید مصطفی، نقد کتاب «رویکردی نو به مطالعه قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ٦، شماره ٢٣، صص ٢٣-٤٠، انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی: پاییز ١٣٩٤.
٢٢. آزدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، تحقیق محمد مهدی اصفهانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ١٣٧٨.
٣٣. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، ١٤١٥.
٤٤. بغدادی، عبدالقادر بن عمر، خزائن الأدب و لب لباب لسان العرب، تحقیق محمد نبیل طریف، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٨.
٥٥. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠.
٦٦. پاکتچی، احمد، روش تحقیق، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ١٣٩٦.
٧٧. ثعالبی، أبو منصور، فقه اللغة و سرالعربیة، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٢.
٨٨. خاکپور، حسین، نقد دیدگاه حسن الدین احمد پیرامون نماد، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دوره ١٠، شماره ٣٥، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز و زمستان ١٣٩٧.
٩٩. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربی، ١٤٢٤.
١٠٠. خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره، ١٤٠٩.
١١. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ١٤١٤.
٢٢. زمخشری، جارالله، أساس البلاغة، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٩.
٣٣. _____، الفائق فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق علی محمد البجاوی - محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].

۴۴. _____، تفسير الكشّاف عن حقائق غوامض التنزيل، انصارى، مسعود، ققنوس، ۱۳۸۹.
۵۵. سزگين، فؤاد، تاريخ التراث العربى، ترجمه محمود فهمى حجازى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۱۲.
۶۶. سيد قطب، فى ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق، ۱۴۰۸.
۷۷. سيد مرتضى، على بن حسين، الأمالى، تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دارالفكر العربى، ۱۹۹۸.
۸۸. _____، تفسير الشريف المرتضى المسمى ب: نفائس التأويل، تصحيح مجتبى احمد موسى، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱.
۹۹. _____، نفائس التأويل، بيروت: مؤسسة الاعلمى، [بى تا].
۱۰۰. سيوطى، جلال الدين، الدر المثور، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴.
۱۱. _____، المزهرة، تحقيق فؤاد على منصور، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۸.
۲۲. صاحب بن عباد، المحيط فى اللغة، تحقيق محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۴.
۳۳. طباطبايى، محمد حسين، الميزان، ترجمه محمد باقر موسى همدانى، قم: انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۳۹۰.
۴۴. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تصحيح هاشم رسولى، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۵۵. طبرى، أبوجعفر، جامع البيان، تحقيق أحمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰.
۶۶. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، تحقيق احمد حسيني اشكوري، تهران: مرتضوى، ۱۳۷۵.
۷۷. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، تصحيح احمد حبيب عاملى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، [بى تا].
۸۸. عياشى، محمد بن مسعود، التفسير، تهران: مكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۸۱.
۹۹. فخررازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰.

۰۰. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، تحقيق محمد على نجار و احمد يوسف نجاتي، قاهره، الهيئه المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰.
۱۱. فلبر، هلموت، مبانى اصطلاح‌شناسى، ترجمه محسن عزيزى، تهران: مركز اطلاعات و مدارك علمى ايران، ۱۳۸۳.
۲۲. فيض كاشانى، محمد بن شاه مرتضى، تفسير الصافى، تهران: مكتبة الصدر، ۱۳۷۳.
۳۳. فيومى، أحمد بن محمد، المصباح المنير، قم، موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴.
۴۴. قرشى بنابى، على اكبر، تفسير احسن الحديث، تهران، بنياد بعثت، مركز چاپ و نشر، ۱۳۷۵.
۵۵. قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴.
۶۶. كردى تودزىلى، سيدعبدالغنى، ترجمه و نقد كتاب رويكردى نو به مطالعه قرآن (فصل اول و دوم)، پايان‌نامه كارشناسى ارشد دانشگاه سيستان و بلوچستان، ارديهشت ۱۳۹۴.
۷۷. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ۱۴۰۳.
۸۸. مشكور، محمدجواد، فرهنگ تطبيقى عربى با زبان‌هاى سامى و ايرانى، تهران: انتشارات بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۷.
۹۹. معرفت، محمدهادى، تفسير و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگى انتشاراتى التمهيد، ۱۳۷۹.
۰۰. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۸۰.
۱۱. مير، مستنصر، حسين عبدالرئوف، مطالعه قرآن به منزله اثر ادبى (رويكردهاى زباني- سبك‌شناختى)، تهران: انتشارات نيلوفر، ۱۳۹۶.
۲۲. هاوتينگ، جرالذ، رهيافت‌هاى به قرآن، به كوشش و ويرايش مهرداد عباسى، تهران: انتشارات حكمت، ۱۳۸۹.
۳۳. يوسى، حسن بن مسعود، زهرالأكم فى الأمثال و الحكم، مغرب: دارالبيضاء، ۱۴۰۱.
54. Jeffery, Arthur, **The foreign vocabulary of the Quran**, Brill, Leiden, 2007.
55. Hasanuddin Ahmad, **A new approach in the study of the Quran**, goodwordbooks, New delhi, india, 2008.